نگاهی اجمالی به

تحولات تعلیم و تربیت در چند دههٔ اخیر

روح‌الله خلیلی بروجنی

تغییرات شگرف معنوی و مادی طی دهه‌های اخیر و رشد حیرت‌انگیز دانش، اطلاعات و فناوری، و به تبع آن تغییرات ماهُوی در زندگی انسان عصر حاضر، به‌زعم بسیاری از اهل نظر، جامعهٔ جهانی را با یک بحران جدی مواجه ساخته است. این بحران در زمینه‌های گوناگون و از جمله در قلمرو تعلیم و تربیت تأثیر زیاد داشته است.[1]

در عصر حاضر که عصر دانش ـ محوری، عصر فنّاوری اطلاعاتی و ارتباطی و یا عصر جهانی شدن نامیده می‌شود، نظام‌های آموزشی هم از درون و هم از بیرون آماج حملات بسیاری قرار گرفته‌اند که عمده‌ترین دلایل آن عبارت‌اند از:

● چرا میان نظام آموزشی با پیشرفت‌های سریع علمی و فنی پیوندی وجود ندارد؟

● چرا مدارس از واقعیت‌های زندگی به‌دورند و از برآوردن نیازهای اجتماع در حال تحول ناتوان‌اند؟

● چرا نظام آموزشی نمی‌تواند شخصیت انسانی را تکامل بخشد و افراد را آزاد و خلاق بارآورد؟

این پرسش‌ها و پرسش‌های بسیار دیگر، در نیمهٔ دوم قرن گذشته، سازمان‌ها و در رأس آنها سازمان علمی فرهنگی یونسکو وابسته به سازمان ملل متحد را واداشتند که با برگزاری همایش‌ها و تشکیل کمیسیون‌های متعددی درصدد تعیین و تبیین هدف‌های نوین آموزش و پرورش در جهان متحوّلی که در آن زندگی می‌کنیم، برآیند.

در سال ۱۹۷۱ میلادی یونسکو با تشکیل کمیسیونی هفت‌نفره به ریاست ادگارفور[2] وظیفهٔ تعیین «هدف‌های جدید آموزش و پرورش، با توجه به تغییرات سریع در دانش و جوامع، نیازهای توسعه، آرزوهای فردی و تسریع در صلح و تفاهیم بین‌المللی» را به‌عهده گرفت تا پیشنهادهایی را در مورد «روش‌های فکری، انسانی و مالی مورد نیاز برای رسیدن به آن هدف‌ها» ارائه دهد.

گزارش این کمیسیون که در کتابی با نام «آموختن برای زیستن»[3] در سال ۱۹۷۳ به چاپ رسید، این مزیت مهم را داشت که مفهوم آموزش مستمر را، در زمانی که نظام‌های آموزشی سنتی با چالش‌های زیادی مواجه شده بودند، به‌خوبی تثبیت کند.

> امروز معلمان نیاز وافری برای به روزآمد کردن دانش و مهارت‌های خود دارند.

در سال ۱۹۹۳ نیز کمیسیون دیگری از طرف یونسکو با نام «کمیسیون بین‌المللی برای تعمق روی آموزش و پرورش و یادگیری در قرن بیست‌ویکم» تشکیل شد. ریاست این کمیسیون ۱۴ نفری را که از شخصیت‌های برجستهٔ آموزشی از سراسر جهان با سوابق متنوع فرهنگی و تخصصی تشکیل شده بود، ژاک دلور برعهده داشت.

فعالیت‌های این کمیسیون در سال ۱۹۹۶ به پایان رسید

و گزارش آن در کتابی با عنوان «یادگیری: گنج درون»[4] منتشر شد. در این گزارش چهار محور اصلی برای آموزش مستمر تحت عناوین: «یادگیری برای دانستن،[5] یادگیری برای انجام دادن،[6] یادگیری برای زیستن[7] و یادگیری برای باهم زیستن»[8] اعلام شد.

در فصل هفتم این کتاب تحت عنوان «معلمان در جستجوی چشم‌اندازهای نو» به موارد زیر برمی‌خوریم:

● در حالی که وضعیت روان‌شناختی و مادی معلمان از کشوری به کشور دیگر بسیار متفاوت است، بهبود موقعیت همهٔ آنها امری اساسی و الزامی است. به‌ویژه، اگر بخواهیم به وظایفی که از سوی کمیسیون در مورد «یادگیری در طول زندگی» تعیین شده است جامهٔ عمل بپوشند- وظیفه‌هایی از قبیل پیشرفت جوامع و تقویت تفاهم متقابل در میان افراد- موقعیت معلمان باید توسط جامعه شناخته شود و مسؤولیت و اختیارات لازم و هم‌چنین منابع مناسب به آنان اختصاص یابد.

● معلمان نیز با نیازی وافر برای به روزآمد کردن دانش و مهارت‌های خود مواجه هستند. زندگی حرفه‌ای آنها باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که فرصت یابند یا حتی مجبور شوند، در هنر حرفه‌ای خود ماهرتر شوند و از دوره‌های تجربه‌اندوزی در زمینه‌های مختلف زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بهره جویند. چنین امکانی معمولاً باید به صورت مرخصی مطالعاتی یا مرخصی ادواری در اختیار آنها گذاشته شود. شکل‌های مختلف این امکانات باید در اختیار همهٔ معلمان قرار بگیرد.

● گرچه تدریس با این مفهوم که هر معلم با مسؤولیت‌ها و وظایف حرفه‌ای خاص خود مواجه است، اساساً یک فعالیت فردی و منحصر است؛ اما کار گروهی، به‌ویژه در سطح متوسطه، به‌منظور اصلاح کیفیت آموزش و انطباق بیشتر آن با ویژگی‌های خاص کلاس‌ها و گروه‌های دانش‌آموزان، بسیار اساسی و مهم است.

● انتظار ما از معلمان زیاد و شاید زیاده از حد است؛ به این دلیل که از آنان می‌خواهیم کوتاهی‌های سایر نهادهایی را که آنها هم مسؤولیت تعلیم و تربیت جوانان را برعهده دارند، جبران کنند. اگر معلمان بخواهند که جوانان آنها را بپذیرند و درک کنند، باید به این وضعیت جدید توجه کنند، باید به جوان‌ها طعم یادگیری را بچشانند و نشان دهند که اطلاعات و دانش دو چیز متفاوت است و کسب دانش مستلزم تلاش، تمرکز، انضباط و تصمیم است.

کار گروهی، به‌ویژه در سطح متوسطه، به‌منظور اصلاح کیفیت آموزش و انطباق بیشتر آن با ویژگی‌های خاص کلاس‌ها و گروه‌های دانش‌آموزان، بسیار اساسی و مهم است.

اگر معلمان بخواهند که جوانان آنها را بپذیرند و درک کنند، باید به این وضعیت جدید توجه کنند، باید به جوان‌ها طعم یادگیری را بچشانند و نشان دهند که اطلاعات و دانش دو چیز متفاوت است و کسب دانش مستلزم تلاش، تمرکز، انضباط و تصمیم است.

زیرنویس:

۱. در سال ۱۹۶۸م، کتاب «بحران آموزشی در جهان، تحلیلی از نظام‌های آموزشی» تألیف فیلیپ‌اچ. کومبز، مدیر وقت مؤسسه بین‌المللی برنامه‌ریزی آموزشی یونسکو، توانست با بررسی نظام‌های آموزش و پرورش، نوآوری‌های گسترده‌ای را توصیه کند. هم‌چنین نگاه کنید به کتاب دیگری از همین مؤلف با نام «بحران جهانی آموزش و پرورش- چشم‌انداز آن از دههٔ هشتاد». ترجمهٔ دکتر فریدهٔ آل‌آقا، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی- ۱۳۷۳.

۲. نخست‌وزیر و وزیر پیشین آموزش و پرورش فرانسه.

3. Learning to be

4. Learning: The Treasure Within
چکیدهٔ پرمغزی از این کتاب با عنوان نکته‌های برجسته (Highlights) توسط واحد انتشارات پژوهشکدهٔ تعلیم و تربیت (بهمن ۱۳۷۵) ترجمه و منتشر شده است.

5. Learning to know

6. Learning to do

7. Learning to be

8. Learning together